

چکیده سمینار علمی دانشجویی "جایگاه سنت در عصر غیبت"

مهدی غلام‌المهدی صدر

۱۳ خردادماه ۸۲ - دانشکده علوم حدیث

به این مطلب که حیثیت امروزین علوم حدیث، با این قلمرو و البته کاربری، که از تبعات حیات در عصر غیبت است، کمتر توجه می‌شود. شاید علت این امر برخورد سنتی ما در چهارچوبی مصداقی و نقل بسنده به این میراث گرانسنگ قدسی باشد و نتیجه آن خواهد بود که هیچگاه نخواسته ایم یا نتوانسته ایم در نگرشی مفهومی و درجه دوم، حقیقت حدیث و نه واقعیت آن را فی حد ذاته به مطالعه بنشینیم و جهت گیری همیشگی ما رویکردی کارکردگرایانه یعنی کاربردی کردن حدیث بوده است؛ امری که شاید اصولاً خارج از موضوع و مأموریت علوم حدیث باشد.

امام "علیه السلام" سالهاست که از میان ما غائب است، و ماییم و کتاب خدا و سنت و حیات در کره خاکی، با تمام ابعاد و جوانب و اقتضانات آن و سر آن داریم که در این میان کار خود را سامان دهیم. لکن کمتر متوجه آن بوده ایم که ساختارهای آکادمیکی که بدیشان دل بسته ایم، عمیقاً بر بنیادهایی استوار است که هیچگاه چیزی بیش از سطوری از الفاظ را از قدسیت وحی ما در

نخواهد یافت و در سازمان حیات و اندیشه بشر لزوم وجود عنصری به عنوان امام را بی معنی می‌انگارد.

از سوی دیگر؛ تمدن امروز مسلمین چه در پیدایش و چه در بنیادهای اندیشه ورزی، عمیقاً متأثر از تفکر سقیفه - عامه - است که جدای از اینکه بر کوس بی نیازی از امام و ولی می‌کوبد، نگرش آن به سنت کمترین اشتراک را با شیعه دارد. این گونه است که ما در این مانداب غربی - سقیفه‌ای - فراموش کرده ایم که سنت از آن زمانی بدینگونه محل رجوع ما شد، که امام از میانمان رفت و اصولاً قرار نیست که تا ابد به همین تراش منقول، محکوم باشیم و از هیچ روی نمی‌توان بی وجود امام، قرآن را به فهم نشست و با این مجموعه تراش، آن آرمانشهر نهایی معهود را بنا کرد.

هرچند که همه بر این همداستانیم، که در علوم حدیث بسیار وام دار عامه ایم، اما خیلی‌ها به این امر توجه نمی‌کنند که این سیطره تا آنجا گسترده شده است که حتی حدیث ثقلین را هم بر مذاق سقیفه معنا می‌کنیم؛ ثقلین کتاب و سنت نیست، بلکه ما مکلف به امام و قرآنیم و این یعنی آنکه سنت متعلق به عصر غیبت است تا ما را به عهد ولایت امام برساند.

رویکرد شیعی نگرانه اما حرف‌هایی دیگر هم دارد؛ امام محور عالم است؛ محور هر حرکتی در سیاره خاک، و هر فرد و اندیشه و فرآیند و علمی که در غفلت از این امر باشد و منفک از ولایت او، طاغوت است و غیر حقیقی، حال چه متعلق به جریان غرب باشد و چه از آن اندیشه سقیفه - عامه.

هر امر - انسان، اندیشه، علم، حکومت، تمدن - غیر شیعی و غافل از امام، شیطانی است و کتاب و سنت تنها شاخص و دستاویز، برای شیعه ماندن در عصر غیبت است و نگرش به بنیادهای متنی شیعی در فضای علوم و ساختارهای معمول شیطانی - چون نظام‌های آکادمیک - تنها بر ضلالت و حیرت ما می‌افزاید.

تکلیف امروز ما خروج از این استضعاف فکری و تمسک به کتاب و سنت برای رسیدن با پایان عصر سنت - غیبت - و رسیدن به امام است و این یعنی حکومت انتظار در عصر غیبت به سنت در اتحاد با قرآن و برهان و عرفان ساخته خواهد شد و بند بند ساختارها و مولفه هایش از جنس حکمت شیعی است و از آن پس دیگر ماییم و امام.

اما، تا خود را از آغستگی به کفر اندیشه ای تمدن غرب و رسوبات ناسره‌ی سقیفه‌ای تمدن مسلمانان نرهانیم و فرآیند تلقی - فهم - متن را در اتحاد کتاب و سنت و عقل و کشف و در ظل فیاضیت و هدایت امام (ع) صورتبندی نکنیم، کماکان متن نافهم باقی خواهد ماند.





پروفیسر شہباز گل شاہین
پرتال جامع علوم انسانی